



# عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم

(با تأکید بر عصر عبدالحمید دوم)

دکتر رسول عربخانی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

زمستان ۱۳۹۳

عربخانی، رسول، ۱۳۵۶-

عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم (با تأکید بر عصر عبدالحمید دوم) / رسول عربخانی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳.

پنج، ۳۵۴ ص.: مصور. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۹۳: تاریخ؛ ۶۲)

ISBN: 978-964-971-974-0

بها: ۱۲۶۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۱۶۱]-۱۶۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. شیعه - عراق - تاریخ. ۲. عبدالحمید دوم، سلطان عثمانی، ۱۸۴۲-۱۹۱۸ م. ۳. عراق - تاریخ - قرن ۱۹ م.

۴. ایران - روابط خارجی - عراق. ۵. عراق - روابط خارجی - ایران. ۶. ترکیه - روابط خارجی - ایران. ۷. ایران -

روابط خارجی - ترکیه. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. ج. عنوان.

۲۹۷ / ۵۳۰۹۵۶۷

BP ۲۳۹/ع۴۴۲ ۱۳۹۳

۳۵۸۹۰۶۱

شماره کتابشناسی ملی



## عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم (با تأکید بر عصر عبدالحمید دوم)

مؤلف: دکتر رسول عربخانی (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی»

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۲۶۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۰۲۵-۳۲۱۰۳۰۹۰

ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نش کوی اسکو، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۶۶، تلفن و دورنگار واحد فروش: ۰۵۱-۳۲۲۳۰۸۰۳

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

## سخن ناشران

نیاز گسترده جوامع علمی و حوزوی و دانشگاهی به متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با یاری و همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرارها و موازی‌کاری‌ها جلوگیری شود. از این رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی برای نیل به اهداف یادشده، ششمین کار مشترک خود را با عنوان عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم (با تأکید بر عصر عبدالحمید دوم) به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

این کتاب در گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌عنوان منبع کمک درسی درس‌هایی مانند تاریخ‌نگاری، منبع‌شناسی، نقد منابع برای دانشجویان رشته‌های تاریخ اسلام، تاریخ متون اسلامی، تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام) و تاریخ تشیع در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و نیز طلاب علوم دینی فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش‌های نویسنده گرامی، آقای دکتر رسول عربخانی، و نیز ارزیابان محترم طرح، آقایان دکتر منصور داداش‌نژاد و دکتر حسن حضرتی تشکر و قدردانی نماییم.

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
معرفی و نقد منابع.....	۹

### بخش اول: جغرافیای تاریخی، سیاسی و مذهبی عتبات عالیات

۱-۱. جغرافیای تاریخی عراق عرب و عتبات عالیات.....	۱۵
۱-۱-۱. نجف اشرف.....	۲۳
۱-۱-۲. کربلا.....	۲۷
۱-۱-۳. کاظمین.....	۳۱
۱-۲-۴. سامرا.....	۳۴
۲-۱. زمینه‌های تاریخی گسترش تشیع در عراق.....	۳۷
۳-۱. ساخت اداری و سیاسی حاکمیت عثمانی در عتبات عالیات.....	۴۶

### بخش دوم: تشیع عراق در مناسبات سیاسی ایران و عثمانی

۱-۲. مدخل تاریخی: پیشینه تاریخی اختلافات ایران و عثمانی در عراق شیعه.....	۵۵
۲-۲. جایگاه سیاسی- مذهبی عراق در امپراتوری عثمانی	
۲-۲-۱. تشیع عراق در سیاست دینی عبدالحمید دوم.....	۷۰
۲-۲-۲. گسترش تشیع در عراق دوره عبدالحمید دوم و سیاست دولت عثمانی در قبال آن.....	۸۳
۳-۲. اهمیت عتبات عالیات در سیاست ایران	
۲-۳-۱. علمای ایرانی- شیعی مقیم عراق عرب و تأثیر آنها بر سیاست داخلی ایران.....	۱۰۱
۲-۳-۲. نقش عتبات عالیات در نهضت مشروطیت ایران.....	۱۱۷

### بخش سوم: مسائل اجتماعی ایرانیان در عتبات عالیات و دولت عثمانی

۱-۳. مسئله زیارت و تدفین ایرانیان و رفتار کارگزاران عثمانی.....	۱۲۹
---	-----

۱۴۲	..... مسائل حقوقی ایرانیان مقیم
۱۴۹	..... ۲-۳. منازعات فرقه‌ای شیعه و سنی - ایرانی و عثمانی در عتبات عالیات
۱۵۷	..... نتیجه
۱۶۱	..... کتابنامه
۱۷۱	..... پیوست: اسناد (آرشیو عثمانی نخست‌وزیری)
۳۲۳	..... نمونه‌هایی از اصل اسناد
	<b>نمایه‌ها</b>
۳۳۱	..... نمایه اشخاص
۳۴۶	..... نمایه مکان‌ها، سازمان‌ها، نهادها و ...



## مقدمه

عتبات عالیات عراق که شامل شهرهای شیعه‌نشین (نجف، کربلا، کاظمین و سامرا) است همواره از قرن شانزدهم تا زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی به‌عنوان یکی از نقاط اتصال جامعه ایران و عثمانی و عنصری تأثیرگذار در مناسبات سیاسی دولت‌های مزبور به‌شمار می‌آمد. وجود مقدس‌ترین آرامگاه‌های شیعیان در عتبات عالیات موجب می‌شد نگاه مردم و دولت ایران همواره به این بخش از امپراتوری عثمانی بیش از دیگر مناطق معطوف باشد. سالانه تعداد بی‌شماری زائر از ایران برای زیارت این اماکن مقدس راهی می‌شدند که این خود منشأ پیامدهای فراوان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای هر دو جامعه ایران و عثمانی بود. از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی این سرزمین، به‌عنوان کانون اصلی اقلیت شیعه در امپراتوری حنفی مذهب عثمانی، همجواری با ایران به‌عنوان مقتدرترین دولت شیعی، دوری از مرکز امپراتوری، حضور رهبران شیعه مذهب ایرانی، فعالیت‌های مذهبی شیعیان، خودسری و سیاست‌بازی‌های پادشاهان بغداد که چندان هم فرمانبری از استانبول نداشتند، چالش‌هایی را در روابط میان دو دولت در سراسر قرن نوزدهم پدید آورد.

تا پیش از انعقاد صلح ذهاب (۱۰۴۹ق/۱۶۳۹م) و تثبیت مرزها، هر یک از دولت‌های ایران و عثمانی نهایت تلاش خود را برای تسلط بر عتبات عالیات به‌کار می‌بردند. این رقابت و هم‌آوردی سبب کشمکش‌های ممتد سیاسی-نظامی میان دولت‌های ایران و عثمانی در طول سالیان دراز شد. دولت ایران به دلیل پیشینه و پیوستگی‌های تاریخی و نیز مشترکات فرهنگی-مذهبی با این سرزمین، تسلط بر این شهرها را حق تاریخی و طبیعی خود می‌دانست و سعی داشت به‌گونه‌های مختلف این مناطق را در حاکمیت خود نگه دارد. از سوی دیگر،

امپراتوری عثمانی نیز با ادعای خلافت سرزمین‌های اسلامی و دفاع از تمامیت ارضی خود می‌خواست همه این سرزمین‌ها تحت سیطره‌اش باشند. پس از انعقاد معاهده ذهاب و سرانجام فروپاشی دولت شیعه مذهب صفوی، اگرچه طی سال‌های آتی نیز تلاش‌های پراکنده‌ای در راستای الحاق عتبات عالیات به خاک ایران صورت گرفت، اما حاکمان ایران برای همیشه از استقرار دوباره حاکمیت خود بر این شهرها ناکام ماندند.

با ورود به قرن نوزدهم و آغاز سلطنت خاندان قاجاریه (۱۷۹۶-۱۹۲۵م) نفوذ معنوی عتبات عالیات بر شئون سیاسی-اجتماعی ایران بیش از پیش شد. مهاجرت تدریجی علمای مقتدر شیعه به‌عنوان رهبران دینی مردم از ایران به عراق، افزایش نفوذ سیاسی-اجتماعی آنان و ورود بیش از پیش ایشان در عرصه سیاسی، عتبات عالیات را به مرکز رهبری دینی تشیع مبدل ساخت. پادشاهان قاجاریه به دلیل پیوندهای گریز ناپذیری که با رهبران مذهبی شیعه داشتند، برای کسب مشروعیت دینی سلطنت خود، نیازمند حمایت علمای یاد شده بودند، از سوی دیگر، در راستای ادعای تاریخی خود به‌عنوان متولی و حامیان اصلی تشیع تلاش می‌کردند تسلط خود را بر این مناطق بیشتر کنند تا بدین‌وسیله رضایت مردم ایران را فراهم آورند.

به‌همین ترتیب عراق شیعی، نیمه پایانی قرن نوزدهم مصادف با عصر عبدالحمید دوم (۱۸۷۶-۱۹۰۹م) به چند جهت در میان ولایات شرقی امپراتوری از اهمیت بسزایی برخوردار بود: نخست از جهت گسترش موج شیعه‌گرایی به‌ویژه در میان عشایر جنوب عراق؛ دوم، وجود محذورات سیاسی در عراق به دلیل اشتراکات تاریخی-مذهبی جامعه شیعی عراق با جامعه و دولت ایران؛ سوم، نحوه تعامل با شیعیان و رهبران مذهبی صاحب نفوذ ساکن در عتبات عالیات؛ چهارم توانمندی‌های معنوی بالقوه این سرزمین برای تنظیم مناسبات سیاسی-اقتصادی با ایران؛ پنجم، رقابت عناصر شیعی و سنی محلی با یکدیگر؛ ششم، ظرفیت عتبات عالیات در پیشبرد سیاست اسلام‌گرایی و اتحاد اسلام.

اهمیت اماکن مقدس شیعی در عراق تنها منحصر به موارد پیش‌گفته نبود بلکه، این سرزمین محل حضور ایرانیان بی‌شمار و فعالان سیاسی مخالف حاکمیت سیاسی ایران نیز بود که در انتقال جریان‌های اصلاحات و تجدد از عثمانی به ایران نقش مؤثری ایفا کردند. بخش اعظم رهبری جنبش اصلاحات و ضد استبدادی ایران که سرانجام به جنبش مشروطه‌خواهی ختم شد، از سوی علمای شیعه و از عتبات عالیات هدایت می‌شد. همچنین، عتبات عالیات



به‌عنوان یکی از راه‌های آگاهی و شناخت هرچه بیشتر عثمانی از تحولات جامعه ایران تلقی می‌شد.

هدف پژوهش حاضر، بررسی جایگاه عتبات عالیات و نحوه تأثیر آن در مناسبات ایران و عثمانی در نیمه دوم قرن نوزدهم است. در این کتاب تلاش می‌شود به یک سؤال اصلی پاسخ داده شود و در ذیل این سؤال، پرسش‌های فرعی دیگری نیز مطرح خواهند شد که در فصل‌های مختلف تحقیق در پی ارائه جواب‌هایی برای آنها خواهیم بود.

عناصر تعیین‌کننده در مناسبات سیاسی میان ایران و عثمانی در سرزمین عتبات عالیات چیست؟ با عنایت به این سؤال محوری چنین به نظر می‌رسد که علمای عالی‌مقام شیعه مقیم عتبات عالیات به‌عنوان رهبران مذهبی و غیررسمی مردم ایران، نقش مهمی در مدیریت افکار عمومی جامعه ایران و مسائل مختلف شیعیان داخل عراق ایفا می‌کردند و هر دو دولت ایران و عثمانی سعی داشتند از این ظرفیت برای پیشبرد سیاست‌های خود استفاده کنند. موقعیت جغرافیایی این سرزمین به‌عنوان کانون اصلی اقلیت شیعه در امپراتوری حنفی مذهب عثمانی، هم‌جواری با ایران به‌عنوان مقتدرترین دولت شیعی و اشتراکات تاریخی فرهنگی و مذهبی ساکنان آنجا با جامعه ایران، وجود مزار امامان شیعه و در نهایت دوری این سرزمین از مرکز امپراتوری عثمانی از عناصر تعیین‌کننده دیگر در روابط سیاسی میان دو دولت می‌تواند به حساب آید.

برخی سؤال‌های فرعی دیگر نیز در امتداد سؤال اصلی تحقیق مطرح می‌شوند: آیا اصولاً مسأله‌ای به نام گسترش تشیع در عراق قرن نوزدهم وجود دارد؟ در صورت وجود چنین واقعیتی، آیا دولت ایران نقشی در تبلیغات گسترش تشیع در عراق داشت؟ مکانیسم‌های گسترش تشیع در عراق قرن نوزدهم بر چه ارکانی استوار بودند؟ سیاست‌های دولت عثمانی در قبال فعالیت‌های شیعه‌گرایی چه ماهیتی داشتند؟ اسباب و زمینه‌های اقتدار علمای عالی‌مقام شیعه در عتبات عالیات بر چه اصولی استوار بوده‌اند؟ مناسبات رهبران مذهبی عتبات با دولت ایران و دولت عثمانی چگونه بود؟ جایگاه علمای عالی‌مقام شیعه در تحولات داخلی ایران از جمله مشروطیت چه بود؟ نگاه دولتمردان عثمانی به مسأله زائرین ایرانی، اختلافات محلی میان شیعه و سنی و حقوق تابعیت شیعیان و ایرانیان ساکن عتبات عالیات چگونه بود؟ و سؤال‌های از این دست.

اگرچه تاکنون مقالات مختلفی از سوی محققان غیر ایرانی اعم از ترک و غیرترک درباره موضوع عراق شیعه قرن نوزدهم به نگارش درآمده، اما قسمت اعظم آنها تنها بخشی از موضوع،

یعنی مسأله تشیع و گسترش آن در عراق پایان قرن نوزدهم را بررسی نموده‌اند و به همه ابعاد آن توجه نکرده‌اند. دیگر اینکه، در این پژوهش‌ها جایگاه دولت و جامعه ایرانی فراموش شده و از نقش عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی سخنی به میان نیامده است. بسیاری از پژوهش‌های غیر ترک، نظیر آثار عربی و غربی که در این کتاب نیز به برخی از آنها اشاره شده، در بسیاری موارد نتوانسته‌اند بی‌طرفی خود را در تحلیل مسائل مربوط حفظ کنند. به نظر می‌رسد یکی از کاستی‌های جدی تحقیقات این دسته از مورخان، آشنایی ناکافی با ابعاد مختلف تاریخی، سیاسی و اجتماعی مذهب شیعه، سیاست و جامعه ایران قرن نوزدهم و نیز دسترسی نداشتن به اسناد و اطلاعات منابع ایرانی بوده است. در هر صورت، شکی نیست که هر تحقیقی که درباره عراق شیعه قرن نوزدهم صورت پذیرد، بدون شناخت این دو محور سودمند نخواهد بود. در پژوهش حاضر، با تکیه بر منابع معتبر آرشیوی عثمانی و منابع ایرانی، اعم از اسناد و متون تاریخی دست اول، کوشش شده با روشی انتقادی و منطبق با اصول روش پژوهش تاریخی به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته شود.

کتاب حاضر در سه بخش تدوین یافته است. بخش اول به جغرافیای طبیعی و تاریخی عراق می‌پردازد. در این بخش نخست با تکیه بر منابع جغرافیای تاریخی به بررسی ویژگی‌های کلی طبیعی و جغرافیایی عراق، از جمله حدود و ثغور این منطقه از نخستین قرن‌های اسلامی تا قرون جدید اشاره شده و نکات مهمی که از دید جغرافی نگاران و مورخان و سیاحان مطرح شده است، نظیر تغییر محدوده جغرافیایی عراق در دوره‌های مختلف تاریخی، اهمیت رودهای دجله و فرات در آبادانی شهرها، اهمیت علمی و فرهنگی این منطقه و جایگاه سیاسی و دینی شهرهای آن در تاریخ اسلام، مورد بحث قرار گرفته‌اند. آنگاه به‌طور خاص و مشروح‌تر شهرهای شیعه‌نشین عراق که اصطلاحاً به آنها «عتبات عالیات» می‌گویند و موضوع اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند، بررسی شده‌اند. در این قسمت با جزئیات بیشتری در خصوص جغرافیا، تاریخ، سیاست، ویژگی‌های جمعیتی و فرهنگی شهرهای مقدس شیعه و نحوه ارتباط آن با تشیع و نیز ایرانیان از سال‌های آغازین اسلامی تا پایان قرن نوزدهم سخن رفته و هدف از این توضیحات آشنا ساختن ذهن خوانندگان با فضای فرهنگی مذهبی حاکم بر شهرهای یاد شده است تا بدین وسیله زمینه لازم برای ورود به بحث اصلی پژوهش در بخش‌های بعد فراهم آید. موضوع ارتباط جنوب عراق با تشیع و چگونگی آن در فصل بعدی با عنوان زمینه‌های تاریخی

گسترش تشیع در عراق مورد مطالعه قرار گرفته است. در این قسمت اطلاعات تاریخی مندرج در متون اسلامی نشان می‌دهند که این بخش از عراق از همان سال‌های نخستین هجری بذرهای تشیع را در خود داشتند و حوادث سیاسی روزگار به همراه برخورداری از موقعیت جغرافیایی ویژه، زمینه‌های رشد و گسترش سریع آن را فراهم آوردند. موضوع پایانی بخش اول در خصوص ساختار اداری سیاسی حاکمیت عثمانی در عراق و عتبات عالیات است.

بخش دوم، با یک مدخل تاریخی درباره مناسبات ایران و عثمانی از زمان شکل‌گیری حاکمیت عثمانی بر عراق شروع می‌شود. دگرگونی‌هایی که با ظهور دولت ملی صفویه در ایران و انتخاب تشیع به عنوان مذهب رسمی بوجود آمدند مرحله جدیدی از کشمکش‌ها و رقابت‌ها میان ایران و عثمانی را در عراق بوجود آوردند که تا قرن‌های بعد نیز به طول انجامیدند. شهرهای شیعی عراق بارها میان دو دولت دست به دست شدند و قراردادهای و معاهدات بسیاری میان آنها در خصوص انتظارات و منافع که در عراق داشتند، منعقد شدند. بررسی این کشمکش‌ها بر سر تصاحب عراق شیعه از قرن شانزدهم تا شروع عصر عبدالحمید دوم موضوع بحث این قسمت را تشکیل می‌دهد. در فصل بعد با عنوان اهمیت سیاسی-مذهبی عتبات برای دولت عثمانی، نخست خطوط اساسی سیاست مذهبی عثمانی در دوره عبدالحمید دوم با تکیه بر دو مفهوم خلافت و سیاست پان‌اسلامیزم مورد مطالعه قرار گرفته، آنگاه نقش شیعیان عراق در چارچوب این سیاست بررسی شده است. در اینجا نشان داده می‌شود که چگونه روشنفکران ایرانی در همکاری تنگاتنگ با علمای مقیم عتبات عالیات زمینه اتحاد میان شیعه و سنی را با محوریت خلافت عثمانی فراهم می‌آوردند. در جای دیگری از این بخش همچنین به موضوع گسترش تشیع در عراق و سیاست‌های باب‌عالی در قبال آن پرداخته شده است. گسترش تشیع در عراق که یکی از بحث‌های مورد علاقه محققان در دهه‌های اخیر را تشکیل می‌دهد، جای مهمی را در پژوهش حاضر به خود اختصاص داده است و یکی از اصلی‌ترین مباحث مطرح شده به‌شمار می‌آید. در این قسمت نظریات محققان مختلف بررسی و تجزیه و تحلیل شده و سعی شده با تکیه بر منابع مستند ترکی، ایرانی و عربی، تصویر به نسبت جامع و روشنی از اصل موضوع و ابعاد مختلف آن ارائه گردد.

فصل دوم بخش دوم به بررسی میزان نقش علمای ایرانی شیعی مقیم عراق در امور سیاسی-اجتماعی داخل ایران می‌پردازد. در این قسمت، نخست با تکیه بر دو مفهوم کلیدی

مرجعیت و اجتهاد، ریشه‌های تاریخی و فکری نفوذ علمای شیعه در جامعه ایران مطالعه می‌شود، آنگاه عملکرد آنان در عراق عثمانی و نیز تأثیری که در سیاست داخلی ایران می‌گذاشتند، تحلیل و بررسی خواهد شد. در گفتار دیگر این بخش، نقش عتبات عالیات در جنبش مشروطه ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. برای ورود به بحث، نخست تاریخچه تماس‌های جامعه ایران با تحولات جدید عثمانی از آغاز قرن نوزدهم و تأثیرپذیری ایران و روشنفکران ایرانی از حرکت‌های اصلاحی عثمانی در چند مقطع مهم تاریخی بیان شده، آنگاه مستقیماً به جایگاه عتبات عالیات در حوادث پیش از مشروطه و پس از آن پرداخته شده است.

بخش سوم پژوهش حاضر درباره مسائل مرتبط با ایرانیان مهاجر و ساکن در عتبات عالیات و جایگاه این بخش از جمعیت عراق در نظام سیاسی-اجتماعی و حقوقی امپراتوری عثمانی است. در فصل اول، پیرامون یکی از مهم‌ترین موارد پیونددهنده عراق عثمانی با جامعه ایران، یعنی مسأله زیارت اماکن مقدس سخن رفته است. نحوه عزیمت ایرانیان به شهرهای مقدس و پیامدهای آن، تعداد زائرین، حمل جنازه‌ها برای دفن در گورستان‌های عتبات عالیات و مسائل مربوط به آن، رفتار کارگزاران عثمانی با زائرین و مناسبات دو دولت ایران و عثمانی در این خصوص، مباحث این فصل را تشکیل می‌دهند. مسائل حقوقی ایرانیان ساکن عتبات عالیات، نظیر تابعیت، مالکیت، ازدواج با اتباع عثمانی، سربازی و پرداخت عوارض شهری، موضوع‌هایی هستند که ایرانیان در زندگی روزمره با آنها مواجه بودند. موضوع یاد شده در فصل دوم بخش سوم مطالعه و بررسی شده است. آخرین فصل بخش سوم که در واقع آخرین گفتار کتاب نیز هست، در خصوص مناقشه‌های مذهبی و حوادثی است که میان اهالی سنی و شیعی عتبات عالیات به وقوع پیوسته است. در میان مطالب این فصل از عملکرد باب عالی، صاحب منصبان حکومت محلی عراق، رهبران مذهبی شیعه و دولت ایران در ارتباط با این مناقشه‌ها نیز سخن به میان آمده است.

در پایان کتاب، برای استفاده بیشتر محققان محترم، گزیده‌ای از اسناد مرتبط با عتبات عالیات آرشیو عثمانی نخست‌وزیری ترکیه ضمیمه شده است. این اسناد که تعدادشان به بیش از یکصد برگ می‌رسد و برای نخستین بار ترجمه فارسی آنها در ایران و ترکیه منتشر می‌شود، موضوعات مهم سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مرتبط با عتبات عالیات و تاریخ روابط ایران و عثمانی از سال‌های ۱۲۷۶ تا ۱۳۳۲ق را دربرمی‌گیرند. مطالعه اسناد مزبور که به ترتیب

تاریخی تنظیم شده‌اند، افزون بر محققان تاریخ عثمانی برای علاقه‌مندان تاریخ معاصر نیز که درباره تاریخ سیاسی و مناسبات دین و قدرت در ایران معاصر تحقیق می‌کنند خالی از فایده نخواهد بود. نمونه‌هایی از اصل اسناد، به همراه تصاویری از عتبات عالیات در قرن نوزدهم به صفحات پایانی افزوده شده‌اند.

در نگارش این کتاب از کمک‌های افراد و نهادهای بسیاری بهره‌مند شده‌ام. در میان نهادهای تحقیقی، ابتدا باید از آرشیو نخست‌وزیری عثمانی در استانبول سپاسگزاری کنم که با مهربانی امکان استفاده از این آرشیو ارزشمند را فراهم آوردند. همچنین متشکرم از مسئولان کتابخانه ایسام (İSAM) در استانبول که با ایجاد یک فضای آرامش‌بخش و پر از گنجینه‌های کتاب‌ها و روزنامه‌ها از پژوهشگران مراجعه‌کننده به گرمی استقبال می‌کنند و منابع کتابخانه را با روی گشاده در اختیار آنها قرار می‌دهند.

سپاسگزارم از مسئولان کتابخانه‌های دانشگاه غازی آنکارا و کتابخانه بنیاد تاریخ ترک که در طول دوره اقامت در ترکیه از آنها استفاده کامل بردم. در ایران نیز از آرشیو وزارت خارجه، آرشیو و کتابخانه اسناد ملی ایران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه گروه تاریخ دانشکده ادبیات این دانشگاه برای دسترسی به منابع بهره‌مند شده‌ام که از مسئولان آنها نیز سپاسگزارم.

همچنین لازم می‌دانم مراتب قدرشناسی و سپاس بی‌پایان خود را نثار استادان و محققان عثمانی‌پژوه در ایران و ترکیه کنم که در این تحقیق از راهنمایی‌ها و تذکرات ایشان بهره‌های فراوان بردم. جناب آقای دکتر توفان گوندوز، استاد تاریخ میانه دانشگاه حاجت‌تپه آنکارا با شناخت خوبی که هم‌زمان به تاریخ و جامعه ایران و عثمانی دارند، نگارنده را در طرح بسیاری از ایده‌ها و نیز دسترسی به منابع، راهنمایی‌های فراوان کردند. عثمانی‌شناسان برجسته، آقایان دکتر کاظم یاشار کوپرامان، رئیس سابق دیپارتمان تاریخ دانشگاه غازی، دکتر محمدتقی امامی خویی، استاد دانشگاه تهران و نیز دکتر مصطفی توران استاد تاریخ معاصر عثمانی و جمهوریت در دانشگاه غازی به همراه دکتر حسن حضرتی، دکتر نصرالله صالحی و دکتر حسن زندیه هر یک به سهم خود و در مراحل مختلف تحقیق و نگارش مرا مورد حمایت و لطف خود قرار دادند؛ به‌ویژه فرهیخته ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین رمضان محمدی مدیر محترم گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که زمینه انتشار اثر را فراهم نمود، از همه ایشان سپاسگزارم.

بر خود لازم می‌دانم از مجموعه «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و نیز «بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی» که انتشار مشترک این پژوهش را پذیرا شدند، قدردانی کنم.

در پایان متذکر می‌شوم همانند همه کارهای تحقیقی در حوزه تاریخ، این پژوهش نیز از کاستی‌ها بری نیست و نگارنده به‌رغم کوشش و دقتی که در نگارش این اثر صرف کرده، ممکن است دچار بسیاری خطاها نیز شده باشد که مسئولیت آن را می‌پذیرم. امیدوارم با تذکرات صاحب‌نظران محترم در تصحیح آن بکوشم.

فرصت را مغتنم شمرده از کارشناس گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، جناب آقای حسن نصراللهی در هماهنگی‌های اداری و آقای اسماعیل یارمحمدی در نمونه‌خوانی نهایی و استخراج نمایه‌های اثر، تشکر می‌کنم.

ومن الله التوفیق

رسول عربخانی

تابستان ۱۳۹۳

## معرفی و نقد منابع

یکی از ویژگی‌های تاریخ معاصر، فراوانی و تنوع منابع آن است. برای تحقیق در هریک از موضوعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر، افزون بر متون تاریخی و مقالات منتشر شده باید، بر اسناد آرشیوی، روزنامه‌ها، کتاب‌های خاطرات و گاه منابع شفاهی نیز توجه نمود. کتاب حاضر، افزون بر ویژگی یاد شده حائز مشخصه دیگری نیز هست که آن را در خصوص بهره‌گیری از منابع، با تحقیقات دیگر متفاوت می‌سازد. ماهیت موضوع این تحقیق که در واقع بررسی روابط سیاسی-اجتماعی دو جامعه-دولت ایران و عثمانی در مسأله تشیع عراق قرن نوزدهم است، محقق را ناگزیر می‌سازد که برای بررسی آن بر هر سه گروه از منابع عثمانی، ایرانی و عربی در کنار هم توجه کند. مانند هر تحقیق دیگر در حوزه مطالعات عثمانی معاصر، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی این تحقیق را نیز اسناد آرشیوی تشکیل می‌دهند. آرشیو نخست‌وزیری عثمانی، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های سندی موجود دنیا، برای محققان تاریخ سیاسی-اجتماعی و اقتصادی غرب آسیا، اهمیت بسیار بالایی دارد. نگارنده برای بررسی سیاست‌های عثمانی در عتبات عالیات به آرشیوهای اسناد در ترکیه و ایران مراجعه کرد که در این میان آرشیو نخست‌وزیری عثمانی در استانبول بیشترین سهم را به خود اختصاص داد.

گزارش‌های سندی موجود در آرشیو ارزشمند و غنی نخست‌وزیری عثمانی، شالوده و اساس چندین بخش از کتاب حاضر را به خود اختصاص داده است؛ به‌ویژه آنجا که از سیاست‌های باب عالی و حکومت محلی در عتبات عالیات سخن به میان آمده، در جای جای مطالب به این گزارش‌ها اشاره شده است. موضوعاتی را که در این اسناد راجع به عتبات عالیات به چشم می‌خورد می‌توان به دوبخش تقسیم کرد؛ یکی، اسنادی که به اوضاع تشیع و شیعیان عراق، گسترش تشیع و نیز سیاست‌های اعمالی دولتمردان عثمانی در ارتباط با این موضوع می‌پردازد. دیگری، به مکاتبات میان دولت‌های ایران و عثمانی در موضوعات مربوط به عتبات عالیات اختصاص دارد و نظریات دولتمردان عثمانی در خصوص مسائل مربوط به ایرانیان را نیز دربرمی‌گیرد. صاحب منصبان محلی عثمانی در ولایت عراق و شهرهای شیعی نشین عتبات برحسب وظیفه، گزارش‌های فراوانی را درباره حوادث و اتفاقات روزمره این منطقه به باب عالی ارسال نموده و در باب نحوه حل مسائل پیش روی خود از استانبول کسب تکلیف می‌کردند. از درون این گزارش‌ها، اطلاعات بسیاری درباره اوضاع عمومی عراق و نگرش‌های حکومت

محلی به ساکنان محلی و ایرانیان عتبات، اعم از زائران و ساکنان این شهرها می‌توان یافت. در میان اسناد آرشیوی نخست‌وزیری، دفاتر اسناد قصر یلدیز، اراده‌ها و اسناد داخلی و خارجی اهمیت بیشتری دارند.

بخش دیگر منابع اسنادی این تحقیق، اسناد آرشیوهای ایرانی هستند. اسناد ایرانی که به‌ویژه در بخش سوم پژوهش و در فصل‌های مسائل ایرانیان مقیم عتبات عالیات و مسأله زیارت و تدفین آنها مورد استفاده قرار گرفته‌اند به دو قسمت تقسیم می‌شوند: مجموعه‌های اسنادی منتشر شده و نیز اسناد منتشر نشده موجود. بخش بزرگی از این اسناد مربوط به آرشیو وزارت خارجه ایران و اندکی از آنها به آرشیو سازمان اسناد ملی ایران تعلق دارند. مهم‌ترین مجموعه‌های سندی بهره‌گرفته شده در این تحقیق، یکی گزیده اسناد ایران و عثمانی، دیگری اسناد و مکاتبات تاریخی ایران هستند که هر دو آنها متعلق به آرشیو وزارت خارجه ایران بوده و از سوی محققان ایرانی فراهم آمده‌اند. موضوع اسناد ایرانی بیشتر در خصوص مسائل اجتماعی ایرانیان مرتبط با عتبات عالیات است؛ نظیر تدفین و زیارت ایرانیان، عزیمت شاهزادگان و رجال سیاسی به عتبات عالیات برای زیارت، نامه‌نگاری‌های سیاسی میان سلاطین و دولتمردان ایرانی و عثمانی با یکدیگر و رفتار مأموران عثمانی با ایرانیان و شکایت‌نامه‌های دولت ایران در این رابطه. غالب این اسناد مضمونی تکراری دارند و گاه بسیار روزمره و کم‌اهمیت‌اند؛ نظیر خبر عزیمت فلان تاجر ایرانی به زیارت عتبات، یا خبر دفن رجال پایین رتبه و اشراف ایرانی در عتبات. بخش بزرگ این اسناد که برای تحقیق حاضر فایده‌چندانی نداشتند کنارگذاشته شدند و تنها از موارد غیرتکراری و با اهمیت استفاده شد.

در بخش اول و در موضوع جغرافیای تاریخی عراق عرب و عتبات عالیات کتاب‌های جغرافیای تاریخی و سفرنامه‌های نویسندگان اسلامی از قرن‌های نخستین تا قرن نوزدهم مورد تأکید قرار گرفته‌اند. احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، اثر مقدسی، نزهة القلوب از حمدالله مستوفی، سفرنامه ابن بطوطه و سفرنامه ناصر خسرو، نمونه‌های از این منابع هستند. اطلاعات این آثار با کتاب‌های خاطرات رجال ایرانی و سیاحان غربی که در قرن نوزدهم شخصاً به عتبات عالیات سفر کرده و مشاهدات خود را در خصوص اوضاع سیاسی، جمعیتی و اجتماعی شهرهای عتبات عالیات یادداشت کرده‌اند تکمیل شده‌است. در میان منابع ترکی، کتاب سیاحت‌نامه حدود، اثر محمد خورشید پاشا، به همراه سالنامه‌های ولایت بغداد، به دلیل بیان



آخرین تقسیمات کشوری و جمعیت‌شناسی عتبات عالیات، از اهمیت برخوردار بوده و مورد استفاده قرار گرفته است. آمارهای ارائه شده در این کتاب برای شناخت اوضاع عثمانی در قرن نوزدهم بسیار ارزنده‌اند. در ادامه این بخش به آثار مورخان قرن نوزدهم، عثمانی، نظیر تاریخ جودت پاشا و محققان معاصر ترک و خارجی نیز توجه شده است.

مطالعه و بررسی پیشینه مناسبات ایران و عثمانی در خصوص عتبات عالیات تا پیش از عصر عبدالحمید دوم، که به‌عنوان مدخلی برای ورود به بحث اصلی است از طریق مراجعه به آثار شاخص و کلاسیک دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و اوائل قاجاریه، مانند احسن التواریخ، عالم آرای عباسی، جهانگشای نادری، گلشن مراد و ناسخ التواریخ، صورت گرفته است که مطالب آنها در صورت نیاز و اهمیت موضوع با منابع عثمانی و تحقیقات ترکی جدید تطبیق شده‌اند.

اساس بخش دوم کتاب بر تحقیقات عثمانی پژوهان ترکی و غربی گذاشته شده است که به ارائه تحلیل‌هایی درباره اوضاع تشیع در عراق دوره عبدالحمیدی و کیفیت سیاست‌های عثمانی در این منطقه پرداخته‌اند. در این قسمت به‌طور مکرر به آثار اسحاق نقاش، محقق عثمانی پژوه، شامل کتاب شیعة العراق و مقاله مهم این محقق درباره تغییر مذهبی عراق در قرن نوزدهم اشاره شده است. آثار اسحاق نقاش که به‌طور پیوسته مورد استفاده تألیفات بعدی تاریخ تشیع عراق در قرن نوزدهم قرار گرفته، از دو نظر اهمیت بسیار دارند. نخست اینکه، این آثار اطلاعاتی ارزشمند و مستند درباره اوضاع تشیع در عراق ارائه کرده‌اند، دوم اینکه، تحلیل‌ها و اظهارنظرهای مندرج در آثار یاد شده قابل توجه و بحث برانگیزند. در کنار اسحاق نقاش، از محقق برجسته ترک سلیم درینگیل نیز باید یاد کرد که در حوزه مطالعاتی این پژوهش، یعنی تشیع دوره عبدالحمید آثار تأثیرگذاری به تألیف درآورده است. مقاله انگلیسی او که با نام «مقابله با تشیع در دوره عبدالحمید دوم» انتشار یافته، اگرچه در بسیاری موارد تکرار مطالب اسحاق نقاش است، ولی در برخی موارد، از جمله در ارائه تحلیل‌های تازه براساس اسناد عثمانی قابل توجه است. آثار محققان عرب سنی و شیعه نیز در این بخش مورد استفاده قرار گرفته است از جمله این آثار که در چندین بخش تحقیق از مطالب آنها بهره گرفته شده کتاب تاریخ عراق، از علی الوردی، محقق شیعه عراقی است که به تازگی به فارسی نیز ترجمه شده است. دیگر محقق شیعه، علی الکورانی‌العاملی است که کتاب معروفش به زبان عربی در

بررسی قبایل شیعه عراق و نحوه تغییر مذهبی عراق قابل استفاده است. در بخش دوم، اسناد نخست‌وزیری عثمانی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و پایه بسیاری از تحلیل‌های ما قرار گرفته‌اند.

در بخش سوم که بیشتر به ارتباط جامعه ایران با شیعیان عتبات عالیات می‌پردازد افزون بر گزارش‌های آرشیوی ایرانی، متون تاریخی دست اول ایرانی، نظیر وقایع‌نامه‌های دوره قاجاریه، خاطرات و سفرنامه‌های ایرانیان، نظیر سفرنامه‌های ناصرالدین شاه و دولتمردان ایرانی به عتبات عالیات، از آثار پژوهشی محققان ایرانی نیز استفاده کافی شده است. اثر مهم عبدالهادی حائری با نام تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق و کتاب حامد الگار، محقق ایران‌شناس آمریکایی با نام دین و دولت، در ایران، بخش مهمی را در تحلیل‌های ما درباره علمای ایرانی مقیم عتبات عالیات و نقش آنان در سیاست داخلی ایران به خود اختصاص داده‌اند. دو کتاب از رسول جعفریان، محقق ایرانی، با نام اطلس شیعه و تشیع در عراق نیز از دیگر کتاب‌های جدید مورد استناد ما در این بخش بوده‌اند. آثار مهم تاریخ مشروطیت ایران که برای مطالعات مشروطیت و تاریخ ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل بیستم ضروری‌اند و به‌عنوان منابع کلاسیک این دوره در ایران شناخته می‌شوند در لابه‌لای مطالب بخش دوم اثر ذکر شده‌اند. از آن جمله می‌توان به تاریخ مشروطه ایران، اثر احمد کسروی، تاریخ بیداری ایرانیان، اثر ناظم‌الاسلام کرمانی و کتاب حیات یحیی، اثر یحیی دولت‌آبادی و کتاب‌های دیگر اشاره کرد.

از دیگر منابع مهم پژوهش حاضر روزنامه‌ها هستند که اگرچه تعداد آنها چندان زیاد نیست، ولی همین مقدار نیز با توجه به اطلاعاتی که ارائه می‌دهند و خلأ اطلاعات اسناد و متون تاریخی را جبران می‌کنند، اهمیت بسیار بالایی دارند. روزنامه‌های حبل‌المتین و اختر که از مهم‌ترین روزنامه‌های فارسی زبان چاپ خارج از ایران در قرن نوزدهم به‌شمار می‌روند بیش از روزنامه‌های دیگر حاوی اطلاعات مربوط به عتبات عالیات بودند. اختر، از سوی ایرانیان مقیم استانبول که بر ضد نظام استبدادی ایران فعالیت می‌کردند به چاپ می‌رسید و گردانندگان آن با نیروهای مبارز ایرانی مقیم عتبات عالیات و علمای آنجا در ارتباط تنگاتنگ بودند. حبل‌المتین، نیز که در کلکته هند منتشر می‌شد از این نظر مشابه اختر بود و بسیاری از اخبار ایرانیان عراق را بازتاب می‌داد. به نظر می‌رسد روزنامه‌های چاپ عثمانی حاوی مطالب زیادی راجع به شیعیان

عراق نباشند. روزنامه‌های اقدام، تصویر افکار و چند روزنامه دیگر مورد مطالعه قرار گرفتند اما فایده چندانی از آنها عاید نشد. دلیل بی‌توجهی روزنامه‌های عثمانی به مسائل شیعیان عراق را باید در اهمیت کم این بخش از امپراتوری در نگاه دولتمردان باب عالی جستجو کرد. توجه امپراتوری عثمانی در اواخر قرن نوزدهم بیشتر معطوف به حوادث غرب امپراتوری، از جمله مسائل ملیت‌خواهی و استقلال‌طلبی ملل بالکان بود و از این رو طبیعی بود که عمده اخبار و گزارش‌های این روزنامه‌ها بر این مسائل متمرکز شود. جای روزنامه‌ها و نشریات محلی عراق در قرن نوزدهم نیز در تحقیق ما خالی است. مهم‌ترین این روزنامه‌ها روزنامه الزورا است که بنا بر شواهد موجود به نظر می‌رسد دارای اخبار جزئی‌تری از اوضاع سیاسی-اجتماعی عراق شیعه و سیاست‌های دولتمردان عثمانی باشد. به‌رغم کوشش‌ها و جستجوهای فراوان، دسترسی به این روزنامه در ترکیه و ایران برای نگارنده میسر نشد. با این حال با عنایت به توجهی که منابع و روزنامه‌های ایرانی به عتبات عالیات می‌نمودند، سعی شد بخشی از این کمبود جبران گردد.



## بخش اول

### جغرافیای تاریخی، سیاسی و مذهبی عتبات عالیات

#### ۱-۱. جغرافیای تاریخی عراق عرب و عتبات عالیات

عراق که امروزه به‌عنوان کشوری کوچک اما مهم در غرب آسیا و در میان همسایگانی چون ایران، سوریه، ترکیه، اردن، عربستان و کویت قرار گرفته، در گذشته به محدوده جغرافیایی وسیع‌تری اطلاق می‌شده و بخشی از سرزمین‌های مجاور خود را نیز شامل می‌شده است. طبیعت، جلگه پهناور بین‌النهرین را که فرات و دجله در آن جاری‌اند به دو بخش تقسیم نموده است، قسمت شمالی، که سرزمین قدیم آشور باشد، بیشتر از مراتع تشکیل یافته و قسمت جنوبی که بابل قدیم باشد، سرزمینی است حاصلخیز که خاکی رسوبی و نخلستان‌هایی پربرکت؛ به‌همین لحاظ، مردم مشرق زمین از روزگاران گذشته این خطه را یکی از جنّات اربعه دنیا می‌دانستند.<sup>۱</sup> احمد بن ابی‌یعقوب الیعقوبی (م ۲۸۴ق) در کتاب البلدان که در واقع یکی از قدیمی‌ترین جغرافیاهای عربی است، قسمت مهمی از کتاب خود را به توصیف نواحی مختلف عراق اختصاص داده است. این مؤلف در بیان اهمیت عراق می‌نویسد که عراق وسط دنیا و ناف زمین است.<sup>۲</sup> به دلیل همین اعتقاد است که مطالب کتاب البلدان با مبحث عراق آغاز می‌شود. مقدسی، صاحب کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم که آن را در قرن دهم میلادی، یعنی یک قرن پس از یعقوبی به نگارش درآورده، بر اهمیت علمی-فرهنگی و دینی و تجاری آن در قرن دهم توجه نموده است. او عراق را سرزمین خوش‌زبانان و زادگاه دانشمندان، خوش آب و هوا و شگفت‌انگیز، پرورنده ابوحنیفه، فقیه فقیهان و قاریان بزرگ می‌نامد. بنابر گفته او

۱. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۶.

۲. یعقوبی، البلدان، ص ۵.

«هر فقیه و قاری، ادیب و ثروتمند، حکیم و خردمند و زاهد و هر صاحب دلی از آنجا برخاسته است. زادگاه ابراهیم خلیل است. بصره در آنجاست که با یک دنیا برابری می‌کند و بغدادش ستوده جهانیان و کوفه بزرگ و سامرا در آن است، نهرش بی‌گمان از بهشت است.»

با این حال مقدسی بر این ویژگی عراق نیز تأکید می‌کند که این سرزمین جایگاه دشمنی و نیز گرانی است و هر روز که می‌گذرد پست‌تر از گذشته می‌شود، مردمش از ستم مالیات در رنج‌اند، میوه در آنجا اندک و فحشای آن بسیار و هزینه زندگی سنگین است.<sup>۱</sup>

عرب‌ها قسمت شمالی بین‌النهرین را جزیره و قسمت جنوبی آن را که ساحلی بوده، عراق می‌گفتند، از همین‌رو، برخی درباره ریشه کلمه عراق، آن را به معنی صخره‌های کنار دریا و ساحل نیز ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup> هنگامی که مسلمانان در نیمه اول قرن اول هجری عراق را فتح کردند تیسفون را که در کنار دجله و مهم‌ترین شهرهای عراق و پایتخت زمستانی سلاطین ساسانی بود، مدائن، نامیدند و چون اعراب برای مسکن خود شهرهایی لازم داشتند که پایگاه نظامی آنها هم باشد در مدت اندکی سه شهر کوفه، بصره و واسط را ساختند که در اندک مدتی این سه شهر چنان رونق یافتند که مهم‌ترین بلاد این سرزمین جدید شدند. کوفه و بصره اندکی بعد برای مدتی پایتخت دولت امویان شدند و چون خلافت از امویان به عباسیان انتقال یافت، اوضاع چنین اقتضا کرد که پایتخت جدیدی برای دولت تازه تأسیس عباسی ساخته شود. از این جهت، خلیفه دوم عباسی بغداد را در کنار دجله هفت فرسخ بالاتر از تیسفون (مدائن) بنا کرد و طولی نکشید که این پایتخت جدید مرکز خلافت عباسیان و پایتخت عراق گردید. بنابر نوشته‌های مورخان و جغرافیایان بصره در قرن نهم میلادی در اوج رونق و آبادانی قرار داشته است. بنا به گفته‌های یعقوبی بغداد شهر بزرگی است که از نظر وسعت و عمران در زمین بی‌نظیر است و مردمان کشورهای مختلف در آنجا سکنا گزیده‌اند و این شهر را برای زندگی بر وطن خود ترجیح داده‌اند.<sup>۳</sup> بر پایه برخی گزارش‌ها، تنها یک قرن بعد، این شهر رونق و آبادانی خود را به نحو چشمگیری از دست داده است. مقدسی که از شکوه گذشته این شهر بسیار تمجید می‌کند مدعی است با شروع دوره ضعف خلفای عباسی این شهر به سستی گرایید و مردمش پراکنده

۱. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۶.

۳. یعقوبی، البلدان، ص ۵.

شدند. بنابر اظهارات مقدسی بخش بزرگی از این شهر به صورت ویران درآمده و مسجد جامع آن تنها در روزهای جمعه میزبان مردم است. او بصره را در آبادانی بر بغداد ترجیح داده و چنین عنوان می‌کند که با ادامه ظلم و ستم دولت، این شهر ممکن است به روزگار سامرا دچار شود.<sup>۱</sup> در خصوص محدوده جغرافیایی سرزمین عراق در سده‌های آغازین اسلامی نمی‌توان به یک الگوی واحد و مشخصی دست یافت و جغرافی‌نویسان اسلامی هر کدام مرزبندی‌های جداگانه‌ای را برای قلمرو عراق ذکر کرده‌اند. برخی مانند قدامة بن جعفر (م ۳۲۰ق) در کتاب الخراج که در واقع از نخستین منابع اطلاعاتی ما از اوضاع شهرها و قصبه‌های منطقه عراق تلقی می‌شود، شهرها و قصبه‌های عراق را در ذیل نواحی مربوط به استان‌های ایرانی بررسی کرده و هریک از شهرها و قصبه‌ها را متعلق به یک واحد بزرگ‌تر به نام استان که نامی ایرانی نیز دارد، قرار داده است. از این تقسیم‌بندی چنین بر می‌آید که الگوی او در این کار تقسیم‌بندی تشکیلات اداری سیاسی ساسانی بوده و منابعش را نیز نوشته‌های ایرانی رسمی پیش از اسلام تشکیل می‌دهد. او معتقد است سرزمین عراق در دوره معاصر او مرکز مملکت اسلام بوده و پارسیان در گذشته به آن «دل ایران شهر» نام داده بودند که بعدها اعراب این نام را عربی کرده و عراق نامیده‌اند.<sup>۲</sup> در این تقسیم‌بندی ناحیه حلوان به پنج استان، به نام‌های شاذ فیروز قباد، جبل، اربل، تامرا و خانقین تقسیم می‌شود که هر کدام از این استان‌ها نواحی کوچک‌تری را در خود دارند. از دیگر استان‌ها استان روستقباد، استان ارن‌دین‌گرد، استان خسروشاپور، استان خسروشاد بهمن و استان ابر قباد است که همگی در شرق دجله قرار گرفته‌اند. در طرف غربی دجله هم استان‌های دیگر قرار دادند، از جمله استان العالی که یکی از شهرهای مهم آن انبار است؛ استان اردشیر بابکان، استان روین باسعار که از جمله نواحی آن زاب بالا، زاب پایین و زاب وسط است؛ استان بهقباد بالا که شش ناحیه دارد، از جمله بابل و فلوجه و عین‌التمر؛ ناحیه سواد به شصت ناحیه تقسیم می‌شود که دوازده ناحیه آن از ناحیه حلوان جدا شده و به ناحیه جبل اضافه گشته است. از ناحیه دجله پنج ناحیه جدا شده و به ناحیه بصره اضافه گشته است.<sup>۳</sup>

مقدسی، عراق قرن چهاردهم هجری و دهم میلادی را به شش ناحیه تقسیم نموده است و

۱. مقدسی، احسن التقاسیم...، ج ۱، ص ۱۶۳، ۱۶۷.

۲. ابوالفرج قدامة بن جعفر، الخراج و صنعة الكتابة، ص ۱۲۲.

۳. همان، ص ۱۲۳-۱۲۹.

آن را به جز ناحیه حلوان منطبق با تقسیم‌بندی چند قرن گذشته دانسته است. او نواحی عراق را از سمت بادیه به ترتیب کوفه، بصره، واسط، بغداد، حلوان و سامرا ذکر کرده، آنگاه گزارش گسترده‌تری را از شهرها و قصبه‌های هر یک از این نواحی ارائه می‌کند.<sup>۱</sup> در تقسیم‌بندی یاد شده، شهر آبادان که در خوزستان امروزی ایران واقع است، به‌عنوان یکی از شهرهای بصره و شهر انبار جزء شهرهای سامرا ذکر شده‌اند. در گزارش مشروح مقدسی راجع به شهرهای عراق نکته‌های جالب توجهی از اوضاع این شهرها در قرن چهارم هجری/دهم میلادی، یافت می‌شود، از جمله اینکه در خصوص بصره چنین می‌گوید: بصره به معنی سنگ سیاه است و این نام‌گذاری از این جهت است که کشتی‌های تجاری سنگ‌هایی را از یمن به آنجا می‌آورده و به فروش می‌رسانده‌اند.<sup>۲</sup> یا اینکه در مورد بغداد می‌گوید: آبادترین جای این شهر بخش‌های ربیع و کرخ در ساحل غربی و باب‌الطاق و دارالامیر در کرانه شرقی دجله است. بازارها و ساختمان‌ها در ساحل شرقی بیشترند. پل، نزدیک باب‌الطاق است و کنار آن بیمارستانی است که عضدالدوله بویهی ساخته است.<sup>۳</sup> ظاهراً بغداد تا قرن هشتم هجری در همین وضعیت به سر می‌برده است؛ چراکه ابن بطوطه نیز در توصیف بغداد یادآور می‌شود که قسمت شرقی بغداد دارای بازارهای عالی و مرتب است و سه مسجد جامع بزرگ بغداد در این بخش قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

آنچه در بحث مربوط به جغرافیای عراق دارای اهمیت بوده و مورد توافق مشترک غالب جغرافیانویسان قرن‌های نخستین و بعدی اسلامی است، وجود دو رودخانه دجله و فرات به‌عنوان محور و مرکز تقسیم‌بندی‌ها و مرزبندی‌های این سرزمین است. به‌گونه‌ای که در بیان موقعیت شهرها، فرات و به‌ویژه دجله را معیار قرار می‌دهند؛ مثلاً سامرا را شهری در ساحل شرقی دجله می‌دانند یا واسط را شهری در طرف غربی دجله. مقدسی به روشنی ذکر می‌کند که دو سوم خوشی مردم عراق به خاطر دجله است و تأکید می‌کند که عراق اصولاً سرزمین مرفهی نیست و آبادی و اهمیت آن به خاطر این دو نهر است.<sup>۵</sup> با تغییر مسیر این دو رودخانه که هر چند وقت اتفاق می‌افتاده برخی شهرها رونق می‌یافتند و شکوفا می‌شدند و برخی دیگر ویرانی

۱. مقدسی، احسن التقاسیم...، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۱۶۳.

۳. همان، ص ۱۶۷.

۴. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۷۶.

۵. مقدسی، احسن التقاسیم...، ج ۱، ص ۱۷۳.



را تجربه می‌کردند و از رونق می‌افتادند و در برخی موارد نیز شهرهای جدید پیرامون آنها شکل می‌گرفتند.

حمدالله مستوفی، مورخ قرن نهم هجری/پانزدهم میلادی، بخش اول کتاب جغرافیای خود نزهةالقلوب را به شرح درباره عراق عرب اختصاص داده است و علت این کار خود را چنین عنوان می‌کند که عراق عرب در قلب ایران زمین واقع شده، از سوی دیگر چون مقرر خلافت و آرامگاه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و نیز پایتخت ۵۴۰ ساله بنی عباس بوده، پس واجب است کتاب با عراق آغاز شود. حدود آن تا بیابان نجد و خلیج فارس و ولایت خوزستان و کردستان و دیاربکر پیوسته است. طول شمالی آن از تکریت تا آبادان در جنوب و عرض آن از حلوان تا قادسیه است.<sup>۱</sup> مستوفی درباره شهرهای عراق نیز بحث را بدون رعایت حروف الفبا از کوفه و سپس بغداد شروع می‌کند و علت آن را چنین بیان می‌کند که کوفه دارالملک و مدفن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) بوده است. بغداد نیز أم البلاد عراق و مقر خلافت بنی عباس بوده و آرامگاه امامان شیعه، موسی الکاظم (علیه السلام) و محمد تقی (علیه السلام) بوده است.<sup>۲</sup> در کتاب نزهةالقلوب نیز شهرهای عراق با توجه به پیشینه ایرانی-ساسانی و نقشه پیش از اسلام آنها توصیف و تشریح شده‌اند. بنابر نوشته‌های مستوفی نخستین بنای کوفه به دست هوشنگ از دودمان اساطیری ایران بوده است، بغداد نیز که مستوفی ریشه کلمه آن را ایرانی می‌داند به دست شاپور ساسانی ساخته شده، انبار را لهراسب کیانی، میسان را بهمن بن اسفندیار، حلوان را فیروز ساسانی، دیرعاقول را انوشیروان ساسانی و سامرا را شاپور ساسانی، ساخته‌اند.<sup>۳</sup>

در میان شهرهای عراق، بغداد به دلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی مطلوب از اهمیت بسیاری برخوردار بود و جز مدتی کوتاه (از سال ۲۲۱ تا ۲۷۹ق) که سامرا پایتخت شد، مرکزیت سیاسی عراق را در اختیار داشت. نقطه مرکزی راه‌های سرزمین عراق از بغداد منشعب می‌شدند؛ یکی به سمت جنوب می‌رفت و دیگری به سمت غرب، دو راه دیگر نیز به شمال و مشرق می‌رفتند. راه جنوبی به کوفه می‌رفت، راه غربی، یعنی راه انبار از دروازه کوفه شروع می‌شد و به شهر محوب، در کنار نهر عیسی می‌رسید، راه شرقی، یعنی راه خراسان از بغداد غربی شروع می‌شد و به شهر پل نهروان می‌رسید، آخرین راه، یعنی راه شمالی از سمت چپ

۱. مستوفی، نزهةالقلوب، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۳۰-۴۶.

دجله ادامه می‌یافت و به سامرا و شهرهای شمالی بین‌النهرین، یعنی جزیره می‌رسید.<sup>۱</sup> در مدت پنج قرنی که خلفای عباسی فرمانروایی داشتند در بغداد و اطراف آن تغییرات بسیاری پدید آمد، زیرا این شهر از یک سو وسعت پیدا می‌کرد و از سوی دیگر، به ویرانی و خرابی می‌افتاد. جنگ‌های داخلی که پس از مرگ هارون الرشید درگرفت، خرابی بسیار به شهر وارد کرد. در سال ۲۲۱ق دستگاه خلافت را از بغداد به سامرا بردند و در مدت خلافت هفت نفر از خلفای عباسی که در سامرا اقامت داشتند اندک‌اندک از اهمیت بغداد کاسته شد و همچون دیگر شهرهای عراق شد، نه شهری که پایتخت باشد و در سال ۲۷۹ق، چون دستگاه خلافت از سامرا به بغداد بازگشت بغداد خاوری رونق و آبادی خود را از سر گرفت و خلفا همین جانب خاوری را تا چهار قرن، یعنی تا حمله مغول اقامتگاه همیشگی خویش قرار دادند.<sup>۲</sup> ابن بطوطه گزارش مبسوطی از مشاهدات خود از بغداد ارائه می‌کند. او بغداد را شهری مقدس می‌شمارد که مرکز خلافت و مقرر علما بوده است:

«این شهر کهن گرچه هنوز پایتخت خلافت عباسی و مرکز امامت قریش است ولی جز اسمی از آن برجای نمانده است، بغداد فعلی در مقایسه با گذشته ویرانه‌ای بیش نیست... در بغداد یازده مسجد هست که در آنها نماز جمعه و خطبه برگزار می‌شود، تعداد بسیاری مسجد و مدرسه دیگر هم هستند، اما بیشتر آنها به ویرانه تبدیل شده‌اند... قبرهای خلفای عباسی در گورستانی در محله رصافه واقع شده‌اند قبرهای مهدی، هادی، امین، معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، مهتدی، معتمد، معتضد، مکتفی، مقتدر، قاهر، راضی، متقی، مستکفی، مطیع، طائع، قائم، قادر، مستظهر، مسترشد، راشد، مقتفی، مستنجد، مستضی، ناصر، ظاهر، منتصر و مستعصم در آن است.»<sup>۳</sup>

مستعصم آخرین خلیفه عباسی بود که در زمان او (۶۵۶ق) مغولان وارد بغداد شدند و پس از چند روز او را کشتند. از آن زمان بود که خلافت عباسی از بغداد برافتاد. دومین شهر مهم عراق به لحاظ اهمیت و رونق شهری به‌ویژه اهمیت اقتصادی و تجاری، بصره بوده است. بصره چنان‌که پیشتر از این گفته شد در سال ۱۷ق و در زمان عمر بن خطاب ساخته شد. در سال ۳۶ق جنگ معروف جمل در حوالی بصره به وقوع پیوست که در آن جنگ دو صحابه پیامبر یعنی طلحه و زبیر کشته شدند. بصره در دوره خلفای عباسی از جنگ‌ها و آشوب‌ها

۱. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۳۵. ۳. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۷.

آسیب فراوان دید. با این حال، این شهر در قرن چهارم هجری روزهای پر رونقی را سپری می‌کرده است. شهر سه مسجد جامع بزرگ و سه بازار زیبا داشته است. گرمابه‌های شهر در وضع خوبی قرار داشته، ولی آب و هوای آن به لحاظ گرما و مجاورت با دریا چندان مورد پسند نبوده است.<sup>۱</sup> ناصر خسرو پس از اینکه در سال ۴۴۳ق، از این شهر دیدن کرد درباره این شهر چنین نوشت:

«دیواری عظیم داشت الا آن جانب که رو به آب شط العرب بود. شهر اغلب خراب بود و آبادانی‌ها عظیم پراکنده که از محله‌ای تا محله‌ای نیم فرسنگ خرابی بود، اما در و دیوار محکم و معمور بود و خلق انبوه و سلطان را دخل بسیاری حاصل می‌شد. در آن وقت امیر بصره باکالیجار دیلمی بود که پادشاه پارس بود و وزیرش مردی پارسی بود...»<sup>۲</sup>

این سیاح همچنین اشاره می‌کند که در بصره به نام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام سیزده مشهد [نشانه و محل حضور] وجود دارد که او همه آنها را زیارت کرده است.<sup>۳</sup>

شهرهای کوفه، حله، انبار، واسط و تکریت نیز از دیگر شهرهای عمده عراق در طول دوره اسلامی تا قرن‌های جدید شمرده می‌شده‌اند. در میان این شهرها کوفه به دلیل داشتن برخی ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی از همان آغاز موقعیت خود را به‌عنوان پایگاه تشیع و گسترش‌دهنده آن در شهرها و نواحی مجاور خود تثبیت کرد. بلاذری حکایتی از نحوه ساخته شدن کوفه نقل کرده، او می‌نویسد: که عمر بن خطاب، خلیفه دوم مسلمین به سعد بن ابی وقاص نامه‌ای نوشت و به او دستور داد که محلی را برای هجرت مسلمانان و پیروان ایشان برگزیند که بین آن محل و خود وی دریا فاصله نباشد. سعد به انبار آمد و خواست منزلگاه را در آنجا قرار دهد، اما مگس فراوان در آنجا بود به‌همین خاطر به محلی دیگر که کوفه باشد رفت و آنجا را حدودبندی کرد منازل را به مردمان اختصاص داد و مسجدی در آنجا ساخت. وی در معنای نام کوفه نیز چند نظر را مطرح می‌کند یکی اینکه کوفه از واژه «تکوف» به معنی اجتماع گرفته شده است؛ دیگر اینکه موضع دایره‌ای شکل را کوفه می‌گویند، سومی نیز اینکه کوفه به زمینی اطلاق می‌شود که در آن ریگ و شن باشد.<sup>۴</sup> مقصود از ساختن کوفه این بود که در جانب غربی فرات اردوگاه ثابتی برای لشکریان ایجاد شود. این شهر مشتمل بود بر جلگه پهناوری در کنار رودخانه و در جوار شهر حیره از شهرهای قدیمی ایران. جمعیت کوفه به تدریج زیاد شد و در سال ۳۶ق علی بن ابی طالب علیه السلام

۱. مقدسی، احسن التقاسیم...، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲. ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۳. همان، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۴. بلاذری، فتوح البلدان، ج ۲، ص ۳۹۳.

این شهر را به مدت چهار سال مقرر خلافت خود قرار داد و در سال ۴۰ق نیز در مسجد همین شهر به شهادت رسید. این شهر در قرن چهارم به اندازه بصره بوده است، ولی نه هوای آن و نه بازارهای آن به پای بصره نمی‌رسیدند.<sup>۱</sup> ناصر خسرو متذکر می‌شود که کوفه در میان حیره و فرات ساخته شد و مرکز خلافت علی (علیه السلام) بود و در همانجا شهید شد. او همچنین از واقع شدن قبرهای مسلم بن عقیل، پسر عموی حسین بن علی، سکینه، دختر امام حسین؛ ابن ملجم، قاتل علی بن ابیطالب (علیه السلام) و مختار بن ابی عبید ثقفی در کوفه سخن به میان می‌آورد.<sup>۲</sup> کوفه در قرن نهم هجری/پانزدهم میلادی، به وسعت نصف بغداد بوده است.<sup>۳</sup>

حله که نام کامل آن حله بنی مزید است شهری بزرگ در میان کوفه و بغداد بوده است. پیشتر آن را جامعین می‌گفتند. یاقوت حموی زمان ساخت این شهر را سال ۴۹۵ق عنوان می‌کند که مصادف است با دوره حکومت سلجوقیان و به وسیله سیف الدوله از دودمان بنی مزید احداث شده است. در دوره زندگانی سیف الدوله به صورت یکی از زیباترین شهرهای عراق درآمد.<sup>۴</sup> واسط در سال ۸۳ یا ۸۴ق به وسیله فرماندار عبدالملک بن مروان در عراق ساخته شد. بین واسط، اهواز، بصره و کوفه فاصله یکسانی بود<sup>۵</sup> شهر انبار نیز از شهرهای مجاور بغداد به‌شمار می‌آمد و چون در دوره ساسانی محل ذخیره جو، گندم و غلات بود به انبار معروف گشت. ابوالعباس سفاح اولین خلیفه عباسی این شهر را توسعه داد و گفته شده نخستین شهری بود که در عراق به وسیله مسلمانان فتح شد.<sup>۶</sup>

در میان شهرهای عراق باید چهار شهر مهم دیگر را نیز که در ادبیات دینی شیعه و گاه متون اهل تسنن به عتبات عالیات موسوم‌اند، نام برد: نجف، کربلا، سامرا و کاظمین. این شهرها که دارای جمعیت تقریباً کاملاً شیعی و دربرگیرنده قبور بسیاری از امامان شیعه اثنی عشری هستند به دلیل برخورداری از پاره‌ای ویژگی‌ها از همان آغاز مورد توجه خاص و زیارت شیعیان مناطق مجاور از جمله ایران قرار گرفتند. از آنجا که محور پژوهش حاضر بررسی اوضاع مرتبط با این شهرها و نقش آنها در مناسبات ایران و عثمانی، است به همین دلیل اقتضا می‌کند به‌طور مجزا و مفصل‌تر به جغرافیای تاریخی این چهار شهر ویژه پرداخته شود.

۱. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۸۱.

۲. ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، ص ۲۷۶. ۳. حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، ص ۵۲.

۴. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۰. ۵. بلاذری، فتوح البلدان، ج ۲، ص ۴۱۱.

۶. حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، ص ۵۲.

واژه «عتبات» در زبان عربی به معنای آستانه و درگاه است. در معنای خاص و تاریخی آن عتبات عالیات به مزارهای مقدس امامان شیعه اطلاق می‌شود که در شهرهای نجف اشرف، کربلا، کاظمین و سامرای عراق عرب واقع‌اند. این شهرها احترام و تقدس خاصی برای شیعیان دارند و از همین‌روست که به آنها عتبات مقدسه، یا عتبات عالیات می‌گویند.<sup>۱</sup> آرامگاه‌های حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) در نجف اشرف، حسین بن علی (علیه السلام) و یاران و خویشان شهید ایشان در کربلا، مزار چهار امام شیعی دیگر نیز در کاظمین و سامرا قرار دارند. موسی بن جعفر الکاظم (علیه السلام) امام هفتم و محمد بن علی بن موسی الجواد (علیه السلام) امام نهم شیعیان در کاظمین، علی بن محمد الهادی (علیه السلام) امام دهم و حسن بن علی العسکری (علیه السلام) امام یازدهم شیعیان و نیز محل غیبت امام دوازدهم م.ح.م.د بن الحسن المنتظر مهدی (علیه السلام) در سامرا. اینک برای آشنایی بهتر با تاریخ و جغرافیای این شهرها جداگانه به هریک از آنها می‌پردازیم:

### ۱-۱-۱. نجف اشرف

نجف یا مشهد علی (علیه السلام) در ۱۶۰ کیلومتری جنوب بغداد و ۱۰ کیلومتری غرب کوفه قرار دارد. این شهر در کناره بیابانی بر یک تپه مسطح غیر مزروعی گسترده شده و از همین‌روست که نام نجف را بر آن نهاده‌اند.<sup>۲</sup> نجف یک لغت نبطی است و از دو کلمه «نی» به معنای آب و «جف» به معنای خشک ترکیب شده و برای آسانی تلفظ «نجف» گفته‌اند.<sup>۳</sup> نجف به دلیل همسایگی با شهر باستانی حیره که در هزاره اول قبل از میلاد مرکز تمدن لخمی‌ها و آل منذر و از مراکز فرهنگ و تمدن منطقه به حساب می‌آمد، از نعمت فرهنگ و تمدن بهره‌مند شد. حافظ ابرو، نجف را همان حیره می‌داند و می‌نویسد نجف نام دیگر حیره است که در نزدیکی کوفه واقع شده است. این مورخ پس از گفتن جملات یاد شده در جایی دیگر متذکر می‌شود که حیره در ابتدای ظهور دین اسلام آباد بوده، اما پس از فتح آن کوفه به جای آن آباد شد و حیره خراب گشت و در روزگار حافظ ابرو نیز همچنان خراب بوده است.<sup>۴</sup> از این جملات برمی‌آید که حیره شهری ساسانی بوده که پیش از اسلام در جایگاه نجف فعلی قرار داشته و با ورود مسلمانان به

۱. ابن منظور، لسان العرب، ص ۱۱۵.

۲. Islam Ansoklopedisi, c.VII, S. 859-860.

۳. بلاغی، تاریخ نجف اشرف و حیره، ص ۱۶۲. ۴. حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، ص ۵۱-۵۲.

این نواحی شهر نجف جای خود را به حیره داده است. یاقوت نیز نجف را شهری ساخته شده در محل سابق شهر حیره عنوان می‌کند.<sup>۱</sup> اما مهم‌ترین ویژگی شهر نجف این است که مدفن علی ابن ابی طالب علیه السلام امام اول شیعیان در آن واقع است و به همین دلیل است که لقب اشرف، یعنی عالی‌تر را در پسوند خود دارد. روایت‌های شیعی زیادی وجود دارد که از اهمیت و تقدس نجف اشرف و آرامگاه حضرت علی علیه السلام حکایت می‌کنند. از آن جمله اینکه «چون خداوند فرشتگان را امر فرمود که بر آدم سجده کنند سجده‌گاه ایشان در پشت کوفه بود»،<sup>۲</sup> و یا این روایت شیخ صدوق در کتاب *علل الشرایع* که می‌گوید: «امام زمان علیه السلام وقتی ظهور کند لشکرگاهش در کوفه و محل حکومتش در مسجد کوفه و بیت‌المال او در سهله و خانواده آن حضرت در نجف خواهند بود...»<sup>۳</sup> یا: «طرف راست کوفه باغی است از باغ‌های بهشت».<sup>۳</sup>

طبق گفته حمدالله مستوفی در عهد بنی‌امیه نمی‌توانستند محل دفن حضرت علی علیه السلام را آشکار کنند، تا اینکه در دوره هارون الرشید عباسی به دستور خلیفه مقبره او را از دل خاک بیرون آوردند.<sup>۴</sup> از دوران هارون الرشید به سبب آشکار شدن مرقد امام علی علیه السلام، این شهر بسیاری را به سکونت در خود جلب کرد.<sup>۵</sup> پس از آنکه شیخ طوسی به نجف مهاجرت کرد، علم و عرفان را در آنجا گسترانید، بسیاری از علما، طلاب و دانش پژوهان علوم دینی به این شهر روانه شدند و مدارس و کتابخانه‌های فراوانی در آن شهر تأسیس شد و روزبه‌روز بر تعداد جمعیت آن افزون گشت. اگرچه یک سده بعد مرکزیت علمی آن به حله واگذار شد اما این شهر در پایان قرن هفتم هجری/سیزدهم میلادی و ابتدای قرن هشتم هجری/چهاردهم میلادی، دوباره از نظر وسعت و عمرانی به اوج اعتلای خود رسید و ثروت فراوانی که حکومت‌های آل‌جلاپیر و ایلخانان مغول برای توسعه و بازسازی شهر و حرم حضرت علی علیه السلام اختصاص دادند در ساخت و تجهیز مدرسه‌ها، خانقاه‌ها، نهرها و چاه‌ها به کار گرفته شدند.<sup>۶</sup> ابن بطوطه که در قرن هشتم هجری/چهاردهم میلادی به این شهر سفر کرده این شهر را یکی از بهترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای عراق وصف می‌کند و چنین می‌نویسد:

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۵۶. ۲. بلاغی، تاریخ نجف اشرف و حیره، ص ۱۷۰.

۳. همان‌جا.

۴. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۸۵.

۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۶۰. ۶. بابایی، سیمای نجف اشرف، ص ۳۵.